

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامنه تفصیلی

بسیج حزب
دسته یاجمعیتی
بسگی ندارد

سال اول - شماره ۴

شنبه ۲۴ دی ۱۳۳۴

تک شماره ۴ ریال

حایلی که بین دولت و ملت است باید برداشته شود

دو روز بروخات اوضاع افزوده میشود. هر ساعت از پس برده، همه ای شایان میگرد که مدتی ناشایان میان این آثار مغرور و بیچارگی را بگذرد متغول میبارد.

باز بیکران آن با مهارت نامر نامی میکوشند که با برده اغفال بشعبت نظرفین را بپوشانند و از این سرکه گردانی خود حواست شومی بوجود آورند که چون ناشایانی متغول آید وقت و ثروت آن کاراز کاشفته باشد.

دشمنای حقیقی و غریب دوزخ است. دشمنای ای شومی پوشیده گروهی پلیس وطن پرستی مایس و عدای با خود و خیال و قیله سرگرم کردن ملت را بدیده دارند همه در کار خود اسنادند و هر یک بر باخواری و کسب همه دارنده پاداشی در یافت میکنند.

همه وظیفه دارنده که بهترین وجه ملت را بفرود متغول دارند تا مبادا از خواب لغفت و از سرگرمی تأثر بیبار و منوره شده و منظور خبیثی را دریابد، منظور شریفی که بدبختی او را شالوده و شیان است.

بارها گفتیم و دیگران هم گفتند ولی اثری نماند. گفتیم مردم، برافردان با دوسی از اتحاد و صمیمیت گردد هم آید، اوضاع مملکت خود و نشانههای شوم را که برای نمای شایا طرح شده و میشود در نظر بگیرد و با آن میزازه کند، ولی کسی که همان فکر در پیش منتهی را با خیال فرنگی ما می یکی با توکل خدا و دیگری با شاه بالا اداختن، خواندند و خندیدند. شاید باره هم بخواند و بخندد هم باز ما متوسلیم و تکرار میکنیم و باز میگوییم: روز گسار ما تیره شده، مشکلات ما افزون شده، دشمنهای شوم طرحهای خود را آسان ساخته و بر این با بود ما گرفتار شده است.

ایزرو ما از زمره اسارت مایگوش میروم. آناهایی، میبوهو بیان شایان مکنی بودیم ما پیشند و بکنند، سطل - خاطر سنده شکی و بر درگی خوشی را اوضاع میکنند.

سیاست استار آن روش درینته اولیای مملکتی، هجایی مرسوم و منته اول است، همه چیز از نظر ملت پوشیده و هر کسی که گوشه نسی در دست دارد بنام ملت تظاهر میکند، همه و بیجان میزند ولی ملت بیچاره و قتی واقف میشود که کار از کار گذشته.

مجلسیان برای حفظ منافع خود به زدو بند متغولند دولت را آناهاسمعیل کرده و میکنند که سازا کثرت آنها می بیشتر منافع آنهاست. هر جا هر سه تنگ میشود ملت شش هزار ساله با رخ دنیا کشیده میشود، هر جا میخواند سرما را فریبدهاند ما را تیب میخواند.

ولی این ملت شش هزار ساله و این ملت تیب ملت خدمت تاریخی و نجات دهنده کاری نباید مداخله داشته باشد و اگر آخیانا خواست صحنی بکنند باید بگویم قهریه باقتضای و با زور سر نیزه پایمال شود تا دیگر پاری سرگشتگانی نداشته باشد و هر زمان بر وجهی همچنان مرکب خود - مضاری بنا زند.

هفته گذشته از کبیسون سه جایی صحبت بود ما، ما ملت ایران ماکه باید بدانیم بچه گرداندهای و اضماعالی بنشینم اولظر از بوجود آمدن آاز برنامه اش و از همه چیزش می سر بودیم. خیر اوضاع خود را از رادوبوهای بیگانه می شنند و آن ها هم که مطلب را آطور بکنه موافق منافع خود بود بیان میکردند ما میبایست گوش با آواز باشیم به بینند ما رادوبوی بیگانه در باره ما چه خواهد گفت و میبایست گوش بدیم. تا معلق شویم که در لایق غرض مملکت ما چه خیر است ولی اولیای ما، زمامداران مملکت ما هم چیز را از ما پنهان میکردند مثل اینکه واقعا ما فر این مملکت فریبده ایم و اطلاع یافتن از اوضاع مملکت خود برای ما میباید. ما مضر است که بکست کسه بصره خود ملاقتند یا شاده که برادر و فرزند خود را دوست نداشته باشد آ یا یکطرف خارجی بکنند اجتناب ما برای خود ما دلسرز تراست آ اگر چه بر اطمینان نداشته باشیم

چگونه ممکن است دیگران مطمئن شویم. اگر ما تواتیم خوب و بد خود را تشخیص دهیم و نتوانیم پنهان خود ملاقتند باشیم و نتوانیم بسکت خود و به استقلال آن با بند باشیم آ با متواتیم و قدر داریم توقع داشته باشیم دیگران بحال ما دلوزتر بوده و صرفه و صلاح ما را بر منافع خود مندم بشمارند.

دول دوست و متفق هر قدر هم دوست ما باشند، هر قدر هم صمیمی و متفق ما باشند باز ما را برای ما دلوزی ندارند.

اگر آنها برای راه حال ما پیشنهادی میدهند و میخوانند یا اجزای آن سرپای را از دوش ما بردارند بیشتر این است که ما بدان واقف باشیم تا آنرا از ایشان قدر دانی کنیم و تشکر کنیم.

اگر پیشنهاد آنها بحال ما مضر است باز هم لازم است ما بدانیم که از آن دفاع کنیم بیان میازیم تا برای ما چیز های نا روا تحویل نکنند.

مطلب هر قدر روشن تر باشد و هر قدر بیشتر در اطراف آن بحث شود حقیقت بیشتر نمایان میگردد.

با تمام بردباری مردم فهم نیستند خوب و بد را از هم تشخیص میدهند.

اگر ترس دولت از این بود که قرارداد پیشنهاد کبیسون سه جایی و در مرض افکار عمومی باعث داد و فریاد مردم و ورود حله جرایم واقع شود این ترس جایی نبود زیرا این داد و بی داد و حله با حق است یا باطل اگر بحق بود دولت پشتیبان قوت بر تانته قدرت مقاومت بیشتر پیدا میکرد اگر کم بحق بود که نعمت آن هائیکه بی حقه حمله میکردند خود حله متناهی دست دیگر که خواهان حقیقت بودند واقع میشدند و بالتایه مردم، منظور او را در می یافتند و هر ارضایی که دولت می نمود و با اکتفاء با کثرت ملت انجام میداد اینکه دولت یا مجلس تصمیمی در رد یا قبول پیشنهاد مورد بحث بگیرند نظر ملت نیست زیرا از اول شروع این مجلس مردم فریاد کردند که این مایندگان کثرا تحمیلی و سرپای هستند و دولت دست نشانه آنها حالت مأموم است بنا بر این نه مجلس و نه دولت هیچکدام مرفوضاتی ملت ایران نیست اگر چند ضعیف یا گدازان در میان آنها در مجلس یا دولت یافت خود در همه حال کاری برای معرفی ملت ایران نیست زیرا اگر در یک موضوع توفیق حاصل نایدد ۹۹ مرتبه در اقلیت خواهند بود.

سیاست استار دولت از یکطرف، مسامحه و تسلل و معافقت کاری وزیران اولظر در گرفت باعث شده که با کاری مفید انجام نشود یا اگر انجام میشود بقدری بی ارزش و آهسته باشد که انجام نشدنش باعث از انجام خود میشود. اصرار دولت در برده پوشی ستایق و در آشکار نتواند - اوضاع بقدری است که هر کسی را بدین منبایه مردم تصور نمی کنند هر کسی که میخواند زمام امور را در دست گیرد تصور من - فروشش دارد. بقیه دو صفحه ۸

بقلم م. ک.

ایران در هفته گذشته

مدیر عیادت از انتشار آن امکانی غیر قابل
و منی در کلیه معانی سیاسی و مبان خود
طیبات بشینده و با مخالفت شدید کارگزاران
مواجه گردیده.

از اشاعه این اخبار هر شونده با ابناء
بی اختیار یادآورده و مجبور غفلت و اقباله
یاسانی ایران افتاده حس بین پرستی و خود
مطلبی را تو تحریک و یثار میشد و با وجود
در طولی که از هاد استالین تا سایر روشنفکران
دولت داشتند همیشه پای استقلال کشور
بیان آمدند گذشته را نادیده گرفته و برای
حفظ استقلال کشور بسیاره پرداختند و
با این عمل بار دیگر ریشه سیاسی و لایات
غیور و برای داشتن استقلال بی ثروت و طور
و رسانیده و بالا بردند دولت نیز پس از مشاوره
با لیا بنیان ملی و استعصامی آن
و با توجه به امور عمران پیشینده تا شری
تظرفات و ۳۰ میزبانی روزگاری در چشمه
۳ شیه پیشند دین با مذهب بگری از آفتابان
لایه استعصامی موده معارف دولت را با این
پشتیاد با جمع معن از ایران رسانیده و
آقای دکنز دستور عین تبار نامی از دولت
خواستار شدند تا که اقدام خود که در آن
مورد و موضوع ایران در جامعه ملل مشق
مطرح گردد.

دیگر از مسائلی که هفته گذشته در
معامل سیاسی تهران از آن گنگ و گنده
و مشید و مشهوره شد به مجلس است که آقای
ناسرقلی اولادان دو جلسه اخیر مجلس بدان
اشاره نمودند.

و در هر دو جلسه که مرتب در مجلس
فرمانده با دکان نیز بیست است که دیگر آنها
تسلیم به یا توجه با مصل و مقررات ارتش
با معاکه ایشان هه معارف دار و جسی
با استناد بگفته های آقای وزیر جنگ و
مجلس متوان «جنو گیری از برادر کشی»
با آن مخالفت نمودند.

که شاید در تاریخ حیانت سیاسی ایران
نظیر آن را کمتر میتوان یافت خوانندگان
گرامی بخاطر دارند که موضوع این اردو در
کنفرانس و زاری خارجه سه هودت که در
مسکو تشکیل شد با اینکه جروس مستور مرز
گرفت بود ولی راجع با توافق نظر کامل
حاصل گردید.
از یک سفرای کبار آمریکا انگلیس
در تهران مذاکره بعلت پیشنهاد نموده اند
که با تشکیل کمیسیون جهانی سمریکاز
لایحه آن دولت اتحاد جامعه شرقی و
انگلیس و آمریکا موافقت نماید و ضمناً
وظیفه این کمیسیون را بر طبق موارد یاد
گفته ای که در پیش از آنها ذکر نموده
تعیین نمود. بودند بقرار.
۱ ماده - سعی در تجدید استقرار
و اشاعه و رعایت عناصر مسئله اهالی و
حفظ روابط دوستانه با سایر ممالک
ماده - اجرای قوانین مشروطه را
مراقبت کند.

۱ ماده - کمیسیون توصیه های در باب
استقلال و زاری ملی اقلیت از قبیل هر
ترکی و کردی و غیره خواهد کرد.
ماده ۸ - کمیسیون با دولت ایران
مشاوره خواهد کرد.

ماده ۹ - سه دولت مساعی کامل بیکار
خواهند بود که دولت ایران را متقاعد
سازند توصیه هائیکه از طرف سه دولت
بمیل آید به صورت قانونی در آورد.
چون اختیاراتی که بر طبق مواد بالا
گفته برای این کمیسیون پیش بینی شده
بود با استعمال کلیت صورت داشت و
احساسات ملی ارباب و سایرین را جرعه

از سرحد

شکایت

آقای میر محترم نامه منی کوهستان

انجمنای عباسی سابق و سزین اسکندری سابقین سمنه
راجع بیک تست از ملک هدلمه گرمش ملک مرونی که برخلاف
شریت و مقررات قانون آقاسیان جنسی های مستهجن صرف
غاصبه نمودند. ما در ۲۸ منقن متوالی یادگار در خواست نامه
ایم ۱۰ پس از طی چندین مرجه و اینکه ما مدت دو سال همیشه
مجدداً پرورنده ای که حاکمیت ما ها را بیان بنیاید از پژوهش
استان بنیم برای رسیدگی و صدور حکم به شیه ۳ دادگاه تهران
احاله شده است. و چون کبک آفتابان جنسی ها آقای حبیب محیط
میشد بفر متعین و تجدید جاسد در این مدت از اقدامات رسیدگی
به برور آنچه حاصل شده و نیز در مدت این چند سال کلمی متعین
گیری و گاهی بشوق صبری برورده در حال وقفه ای مانده و نیز
عاد سال گذشته چون اشعار تعین وقت باز عه ایلاء نموده بود
پیشه ۳ هزاران زحمت تهران سه آیدی شایسته و فاروقی
سر جو کین ۹۹ دادگستری را بویکالت خود اشعار کرده آقای
محیط بعضی اطلاع از تقاضای تجدید جله نمود حال با داشتن دو نفر
و کبک نامبرده را بزرگ مصلحت باورفته است.

ادامه این وضع خناسبارانگین باعث شده که به آن مدیر محترم
بنامده شده که با مدوح شکایت ما در این نامه ای توجه جناب آقای
وزیر دادگستری و مافوق داشته که بشیه ۳ دادگاه تهران دستور
صادر فرمائید که بیش از این متعین و شایسته نماند پرونده ام الا
- حال خوب خارج نشاند. جناس اسکندری - سزین اسکندری

چاپخانه کاشوری لنگش ۴۷۸۷

دیگر از اخبار کشور: در مقام تشکیل دولت که از طرف
وزارت جنگ است که قانون مروه ط از انصوب مجلس شکسته
و بهمه هیاتولی بنوشح گردیده و گردا وزارت جنگ ضمن شکست
ساده متولیه این ۱۳۰۰ در اشعار کرده است زیرا بنا به پیشنهاد
وزارت کشور و تعویب پیش وزیران مقرر گردید شهرتال گروس
و کاشکون جزه استان چهارم بوده از آن میرزا و از این یسه
تحت نظر وزارت کشور اداره خود ببلاره طریق پیشنهاد دیگر
فراش بپذیرداری همین شد.
دیگر از اشاعه گفته شده که مورد توجه است موضوع
استقالی دولت است که مورد بحث است و بقرار آخرین اطلاع
آناد فرام السلطنه تا کنون پنجاه و یک نفر موافق دارند و شانسی
از شان برای لغت و زاری از هه پیشتر است.

بقلم آقای ع. شمع اولادان دانشجوی حقوق
انجاس از جمله کردی و دنگی گیتی نازم

زندگی میخواستی؟ فریب مغزها!

بیسواقی مادران، هرگز نیتند آنها را از اصابع مودته باززدان
خود باز دارد آنان با زبانی ساده ولی موز و طبعه خود دریافت انجام دهنده
آری مغانان چون از قلب پاك و سی آرایش سرچشمه میگردند و نشسته
لاجرم برسدن بود نهاد رفتن نشان باختر اخرون مینودولی با جانم م
بدر نیکبرده ای دادند نیست که مادران ما بنظنر ایجاد وحدت و اتفاق
برای رفزدان خود نقل میکنند:

چهارگاز بودند چه باگه آنها مرفزاری که از حیث طراوت و
زیبایی بی نظیر بودی این سن گراوار و هنرالی بسیار سازگار آب وهوای
این باخسه و تشکیل مده کردن مرفزار و وسیله تهریت بیرونی
جسانی خود قرار دهه بردند هر دهنده ای که آنها را مطلع نظر قرار
میداد آن در سبای افان بیرونی شکراری و اتحاد دشمن مشترک را از بای
دو میاروند تقا و از روی شیوی پدایشانله آورد براهات مسوول بالاتن
بوی هجوم آوردند شیر خوراست با سمره سبگین خود آنها را مرسوب
سازد ولی آنان بدی بودند که از چنین بادی بلزده بودند با فریبناست
لصع شیروا از هم دوریدند آنرا بازم اندان کبار خود را کرد و موافقت را
نصیب شان نمود مدتها نگذشت این چهارگاز در این مرفزار بر نعمت
هر روزه جانت و جاقارت میبودند و هر آن بر مطقت و فرقت خود میاروند
باراز شیردگری در آن خود میخواستند آگاه شد بخیرات طمع نویسی
چنگش افتاده بظرف آنما آمد همیشه از دور غفلت آن ها را دید

قدرت بشیر و فرود آورخود دید و دانست که اشتیاد است آری با شناخت خود
واقف گردید و دانست این جنزاد «سرمین است که ایامی ننگه نکرده ایم»
با لایحه از ایشان خود منصرف و مجبور سراجعت گردید تصادفاً در این دهه
برویمای برشورد دیوانه بشیرفت و کشت ای پادشاه جاویدان ترا روانه
بی خیرت شاد و خوش و با سیدیه که چنین گردانیدیم و بی خیرت شاد
اگر منظورت تنها تغییر کردن گواوان است باشد که ترا بنده خود وفد
انجام چنین خدمت ناانسانی که سبک تبت بر بندهم شیر با شکرمت این
عمل شایسته و نظر تو آسان است! دیوانه ملک تو چه میخواستی «لالاک»
شوری با بیسان دلی

دیوانه محیل و موزو نقشه خوبی طرح کرده بود از شیر خود اسفاسفی
سکردو برای انجام منظورش بخوف چرا گرفتار مینگد چایکاهه روان
وسید باقیانه معانومه ام که بر سب آن دام زوربر خوردا کشنده بود
آنها موانده شد خواسته با یک شرح شاخ جایش خاتمه دهنده ولی دیوانه
با صحن ولایه کفت: من تعبیری پاکدل و نیکو نهادم میخوامم در سایه
خدمتگزاری بزرگان چون شازندگی آرام و روانی داشت باشم آن قدر
چه چشم حقارت بزرگم بدو چه تو کردم سب و وفاداری چون من بیواد
نادر است و من قول میدهم که چگونه حقیتم برای از ایامی منشاء اثرن
بزرگی خواهد بود چون با هم مشورت کردند که او را بیندگی خود ببردند
از دلسازی او آگاه نبودند با خود گفتمند که این جویا صدف و مردی
بیشک هیچگونه شروری مرتب نیست دیوانه ایامی چند جهان ودل بخدمت
پرداخت دروای بلخی میزد و راه بار بارهای خود و در آموختند که در آن
من خلاق نباشم آن شایسته فقط و بی زبری و مایه روانه و آفتابان
بشکاسمکرات فرموده همه چیز بنصرا کبک در دسترستان هست و خلاصه از

بالم آقای مهندس گودرزی تهری
بنامت اصبحن ملل متفق در لندن

دنیا در هفته پیش

دنیای بسازیکه در آن
حقوق تمام انفراد بشر
ملاحظ و تاهن گردد
دروزلت

آیا گذشته با آینده ارتباط
دارد؟

اگر بیست سال قبل برگردیم و آن
سیاسی آنرا (۱۹۱۸) و زمرد (۱۹۴۶)
را سبک و سبکین کرده و دو هر واتی
و دو کار کردن خلقی صالح جن، کلبانی
سیاستدار کینچه و خشکین را با -
(ویاسیلاو میخائیلوویچ چرنو) کبیر
آرام و متین زیر میکروسکب انصارت
سیاسی فرار دعیم و فرانسه گرت و شست
از کینچه در روز و روسیه مشهور آید امر و روزا
فردو که ترادو یکداریه و بسیم بیستیم
آزادی و دموکراسی نجات داده
هنده و پایدار خواهد بود و
خیال خام خواست الهانی،
سیاست موازنه سیاست بحری فتوق
بزی معنی و هر چه زود تر در
فری بنای جوادان و خیره کننده
آزادی برای همیشه مسدود کن
خواهد شد

و فاج سیاسی و قضایی و دشمن
سلم و خصمی در این چند روزه اخیر بنا
تایب نبود که بعضی افکار آید آملی و مفهوم
سیست سال پیش ملا از قانوس سیاسی
حقیق و نیروی من آزادی بر هر چه زودتر
پیدا نموده و از همه چیز برتر مقدم تر
است.

این وقت پیش و کم پس ز
چنگ گذشته هم بود اما مدتها نشرو
و کناره گیری دولت شوروی از جامعه ملل
زنج و انجمنی های سیاسی با خصوصیت
های دول بزرگ پشت با باین (با همه مقصد)
زد و تهمید قراردادهای ناچوار انفرادی
تقریب تمام بر نه مورسی آلت بر نه مورفاطی
بندست افراد بهانه جو و حصار جوشن
و با لیکران نامی نظیر در سر جوشن دینار
دادند بیان خود مشورهای صلح جهانی تر
میاله و بر پندازند.

اما دنیا ای امروز، جهان امروز و
دنیای فردا، دنیایی که پس از آن همه
خسارت و خصوصیت جانوس مردوری خراب
های بشریت بنیان و استوار گردیده بیستیم
میکره خواهد بود

روزهای خوش

ما که ملی دنیا نخواهند همه
بهم در جنگ بیدار نمیشد باید پس
زندگی کردن بهم در حال صلح
را فراموش کرد
لازمه داشتن چنین نئی این است
که فقر، استعمار، سیاست بازی

زور گوئی، سوءظن، تردید و جهل و منح
ها و عدم مدافعت هاج از بین برود
و خشناکیه ملل آزاد بخصوص پنج دولت
بزرگ «شوروی، آمریکا، چین، فرانسه
بریتانیا» سازمان و صدافه با همکاری
نموده و دنیای آزاد و آباد برپا و همکاری
متقابل و صیانه خود را همه وقت ادامه
میدهند و آزاد باری کنند
در جهانی که با صلح متصور (آتلانتیک)
و (پاناما) و (دیبارتن آکس) مدین نحو
و بر اساس تباری حقوق و همکاری لایه
ملل آزاد بنا شود.

روزهای خوش و روحناز

برای توده های آزاد جهان و
محافل آزاد بنیوا و خود خواهد
داشت و در آن جهان «انجمن سان
فرانسکو» و «انجمن لندن»
که باید در روز و دنیای سعادتمند
و صلح جو باشد دنیا یان خود موحی
نظیر «جاء هژنو» «چار نخواستند
شد.

بنوی لندن
(از پارلین استریت) خیابان قدیمی
لندن بایه جور کیند تا بمقابل تالار -
مرکز (وست مینستر) که جنب کلیسای
کهن و تاریخی وست مینستر است بر سیده
پایلی سردوب پارچم ۵۱ فوکت منق
ترین ویس و اسطر ۹۸ که بنیوا یک مضمون
شامشاییان خواهد رسید، سخن تالار
میزهای بلوط تزیین و برای ۲۰۰۰ نفر
نایند چا نمین گردیده است

پل هانری اسپاک که بر و شب خود
«مولی» توفیق یافت در جایگاه مخصوص
(رئیس سازمان ملل منق) نشست و در بالای
سر او نشان ویژه سازمان (که گره زمین
را با بر قیقه و بر جدید مجسم دودر تا
دور شانه باطوطی از ملا دارد) نصب
گردیده است.

این سبب اسپاک که اکنون رئیس
سازمان است میگویند در ابتدا و کیند علیه
وازی که خانوادهمستطامن معروف بازیکی
چوس (سوز) بود و ورشده اسپاک او از سال
۱۹۳۲ بینه شروع و تیسو وزیر رهبر حزب
سوسیالیست و وزیر امور خارجه بلژیک
ورئیس سازمان ملل منق است

(دینتری مانوی لسنی) رئیس هیئت
او کرایین که برسات کبیسون امنیت بر
گرفته شد فرد لغال و یکی از معاهدین
و فادار حزب بلشویک روسیه است.
اصطیبات او چانه که صورت
میکبرد و اینکه سعی میشود اختلافات
از بین برود و روح مسالمت و توافق بر
را که کمترین حکم فرمایانته این تصور
و اینکه مستطامن سازمان قابل اعتماد و
اطمینان باشد قوی میگنند. و این سؤال که
آیا موضوع ایران ترکی مورد مذاکره
قرار خواهد گرفت یا نه جای کمی تردید
است.

روزنامه های انگلیسی بطور کمی متدانه (آبرن هاورد)
فرمانده کینک باه منشی گل شوده و ما نیز مانده روزنامه (رپتول)
انگلیسی متفقدیم که استشر خصوصیت های سیاسی کنار گذاشته شود
و به سابقه هر دفعی لغت خط بطلان کیندیه شوده، مستکنت ازین
سازمان بر میماند (زونی تیتجه مثبت گرفت.

این العود امیر حجاز در مصر است.

این السود امیر حجاز که باصف معالفر هرجز امیر فاروق
نظر مساعد و خوشی ندارد پس از مسافرت چندین پیش ملک فاروق
به کشور خود دعوت متقابل او را قبول و اکنون در کاخ زعفران بهمان
هریزان مصر است.

پیشوا سیاسة اطرظف ۵۰۰ دانشگاهی در دانشگاه مصر از
این السود و شصت بی نظیری که در کاخ مابعدین اطرظف منک
قارون بافتار امیر حجاز داده شد.

قدم برزی را در راه اتحاد دو کشور بزرگ هری کینا
اعداوة از سیاست اشتقاق بریتانیا بیزارتنه بایه معسوب نمود و
بایه قیصد بنیدیه، نودین سید باقرافینش اتحادیه استخوانکی اعرابیه
این زمینچیت، بهر صورت تا وقت دیگر که بیشتر در این باره
بعت خواهیم گردان این السود در مصر خواهد بود و دو روز آنرا
مصر سار در اسکندریه خواهد گذراند.

اسپانیا از هر فتنی و خطر فلاز نجات دهید *

این صدای است که هر روز از اغلب آید بخواه شنید، میشود
و بخصوص «پریاز» مجدد در روزان توه آلفونس سزیم و تنهاده می
تفت و تاج اسپانیا این زمره را شنید تر کرده است.
معالظن طرفدار لائالی و حکومت اسپانیا داین او ابرهومی
حس کرده اند که فرانکو هر دو روئیکه در آید، حکومت مدمکراسی
تشکیل داده با مامک تبدیل برچهره خود و حکومت خود برین قابل
فرومیت و بخواهد بود و فراسه شوروی به این آزادی وقتی ها
دمت برادر از سر آید و پیشوا مادریه «پستنه»
بهین مناسبت اینروزها شنه های چندینک مغزهای
سیاسی در وادیوار هاتوا متعین میشود و معالظ مزدور و لایکبران غیوم
ساده لوح نظیر دون ژوان با مانند (ریک مور) وزیر امور خارجه
جمهوری لوچ اسپانیا از حساب خود میخواند برابر فرانکو علم
در دموکریه اسپانیا ظاهر سازند.

آی پی سلم است که شسته ملت اسپانیا ابتقد و خوش باور و کج
صلیعت کس فریب نم آید فریم بازی معالظ فاشیت مآب راج
بفخورد و دون ژوان را کامالیا فریو بزرگ و کنار رودخانه تاپس
از نگی کرد و امر مانیک هم در ادمان ناری سلطنت موحده و صمد در
معدنیت است (است بیژ دروضنایه فرانکو فرمت بدهد که حکومت جدید
شود نظار و خرد در این ترتیب تیش کیند. بلکه مردم آزاد چهارده صد
معالظن مذرا ب آزاد بخواهان رنج کیند اسپانیا ای اشراف را شنید
فلی مدکار استقامندار، نودین و ائتلاف توه مدت مردها در دهان
حکومت دلازنی فرانکو و اراده های امروز که حامی مینار و
فرانکوها بودند، بکوبه و اسپانیا آزاد دستد تشکیل دهنده.

نظر کلی برودیدادهای جهان در آخرین روزهای هفته

ملك آرتور فرمسانه امریکایی در زاپن دستور داده سكه
اشخاصی که در جنگ سهیم بوده اند باید بطور کلی از كار بر تیار
شوند. پارون پیشواها و لغت وزیر زاپن کابینه خود را ترکیم
اکنون بشری و بسیار است. اصحن ملی اعراب فلسطین تصمیم گرفت
است کبیسونی بصرف از هادرتا و اوتتا باین السود ملاقات و از خواهش
کننده تیشبه حدگان سلطنتی و ز ندهای سیاسی آزاد فولد برای
شورا امنیت سازمان چین، شوروی، برزیل، اوکراین و یگی دودولت
دیگر احصاء و این خورا در حینت خود میز و سازمان خواهد بود.
سر کلارک که بنیت و پیشینگی ملان کبیسر امور خارجه شوروی
و اورل هریمان درموویا بایه پس و لندن و واشنگتن و مسکو حرس
نود احصاء مجلس عوام انگلیس در دستورمان با پیشواان سیاسی
و اقتصادی کینسگر، هندوستان مذاکرات مرتبیه بوده اند و هنوز
مذاکرات ادامه دارد. و سلطنت آلمانی متعل و اسدو رفو بان
و فرزندش که اکنون در لندن است معلوم و مجلس موسسان آلمانی
حکومت جمهوری را اعلام نمود.

نگارگراف از شاه آباد قرب

نگارگراف فرماندار شاه آباد قرب

ساعت مقدس مجلس شورای ملی و نوشتن
جناب اشرف نخست وزیر و نوشتن وزارت
کوهنوردی و نوشتن وزارت چایله جنگ و نوشتن
وزیرنامه اطلاعات و نوشتن کوهستان
یکشت ابل سرباز کله که تا کنون
تاریخ باستان کشور ایران غیر از شاهدوستی
و مین و برستی شان نشود در صنعتان و اوراق
شود هدافت وادما نشت اراده سینه دولت
چان خود را شاور آزماش و از پروزیلیات
ورشادت را داده اند توسط غلامان چان
شاور که سربازان و کدهایان و پیش
میدان آن هستیم آن عریضه را تدبیر
باز براه چینی و سرباز می رسد که
از تاریخ پیش از شهر یرو به بد دنیا
تاغ و تازان سندان داخلی و سامورین دولتی
و همچنین برستی شان نشود در صنعتان و اوراق
شود های منوالی بفا گیای شاهه مجلس
مقدس در ادارت و هدایت مضمون دولت عرض
داشته و تا موقع انتخاب آقای سر
قزداغان از تمامیه دولت محرم که انتخاب
نابرهده بفرمانداری شهرستان شاه آباد
این ابل و موصف تشکران نور فزاینده از
توجهات دولت گردید بطوریکه گیای
شغافا تشکران خود را به دولت ابراز
و در این مدت با گال واقعیت بهای بنام
ذات مقدس شاه آباد آن دولت روز افزون
استفاد داشته اند
اینک از طرف آقای اشرف وزیر کوهنورد
فرماندار نابرهده و اشخاص مفرغ خود
اند فرمانداران را تحویل بدخته معلوم
می شود معاش خان و فرماندار جدید
برای خانه بنه حساب این ابل فرزند
گرفته اند البته ملاحظه ملک خویش
شهرستان دادند لکن شهروندان کردت
بایشی روی عمل همایشات زیاده بیداد
زیرستان از ظلم و جور آن مأموران بایشی
سپاست دولت کوهنورد باشد که بعدافت
منوالی آقای خسرو قزداغان از اینجمله
هوارش قویا ملاحظه خیاشی غیر از ظلم
که سترین بایشی آن خلق است ابل کله
و تحویل بایشی ۱۲ گرم داشته است و حال
آنکه میاز سطله شایر و ابلان کزور
ایران دارای اسباب و مسلسل بر خلاف
و اجازه دولت تپه و اندازه کشتی بندیکر
ابل کله در این غیر آزاد و مشفق
بایشی سگال ظلم و فدائی مقصد بیشی
مأمورین نا لایق نشود غوار گردان بان
وهشی و ریاضت و اطاعت از حیات مستندی
هستند بدم آرزایش آقای خسرو قزداغان
و ابل کله را مملو بسوز در صورت
استعداد اشخاص بن طهران و خلق
فرمانده

دارالشورا و هیئت معظم دولت استدعا
مینماییم که ترمیم فرموده حالت حاضر
منظره بک ما نشانده چهار بعثنی و انخاب
فرموده و بجای خلق مقام خدمت همنده
شایان محول فرمائید ما با کمال شوق از
طریق فدائاری اسحاق مدعییم و در صورت
مایوس داشتن یک منت ابل سرباز کله
بسته برای جهان آراء ملاک داشته است
محل اعتماد ابل کله تپه آزاد -
سربست طایفه مدعی امانجان حشینی
چهار بعثنی رضای سر برست ماه بدشت -
سربستی طوایف خان حیدر شسوری و
سربستی شسوری - سربست طایفه صمان
فرزاد یاری - سربست طوایف سیاه
س - امانجان خسروی - سربست طوایف
کریه سینان رشیدی - حیدر رضای رئیس
طایفه قوی - که کندهای طوایف کله یا
غلیرضای رشیدی - سربست طوایف منصور
سمنان ناسری - کندهای طوایف منصور
آباد امین اکبری - کندهای طایفه غلام
کله یا اهل نواهی - کندهای طوایف
حسن آبادی رضای آزادی - غلام شاه
خسروی که کندهای طوایف سیاه سیاه -
سربست طوایف شیخ زاری اکر -
کندهای طوایف شیرزادی مدعی -
کندهای طوایف اوردیشی غیر اردیشی
علی اکبر کندهای طوایف شیرزادی مدعی
کندهای طوایف غلیرضای جوانی
یپاه - کندهای طوایف حیدر خاوندی
شیرماه اک اندله پاری - کندهای طایفه
رقصانی صحن - کندهای طایفه حیدر
علی اکبر - سربست طوایف داراب یکی
احمد مراد - سربست طوایف کاظمی
حسن دادیان - کندهای طایفه رشید
و در پیش رشید طایفه و در پیش
پورقباد - سربست طایفه و نورنادیشی
مدان طایفه و روز - میره پاک کندهای
طایفه اوردیشی مدعی - کندهای طایفه
جهان شاهی صانق - کندهای طایفه پایار
احمد بایزبان - کندهای طایفه و جبذی
کندهای گل کشی جان مردنگی - کندهای
طایفه لرین طلیعه مدعی - اسمیل موسی
ووش سید طایفه فو - دروش و پیش رشید
طایفه قوجه - سربست طایفه ذهاب افراسیاب
آباد - کندهای طایفه کرمه علیراداشی
کندهای طایفه نام دارچسری - کندهای
طایفه طایفه کرمه مدعی - کندهای طایفه
سفر نوسری - کندهای طایفه منور که
مدعی رضاشکرینی - کندهای طایفه گرنی
قاسم قاسمی - سربست طایفه نوح حید
نامدار آسیدی - کندهای طوایف قوجه
غلامرضا کندهای طایفه کرمه علی امان
رحیمی - کندهای چهاربزر نامیدشت حیدر
مدعی - کندهای طایفه رحمانی ماه بدشت

جناب آقای وزیر کوهنوردی و نوشتن جناب آقای نخست وزیر
رو نوشتن مجلس مقدس شورای ملی و نوشتن
جریده شریقه کوهستان نگارگراف آن جناب مین بر اخبار این
جناب میر کزور و در امتثال امر به حضرت اشرف قویا بایشی
وسیله برداخته آمدند که شش پرولی متکلیف که از کار آستانه
مشهد تهران شده رؤسای ایلات قرب جاری اونومیل مرا گشته با
تهدید بنام آباد بر کشتند دادند و آقایان رؤسای ایلات و طوایف
سر به اظهار میادیدارند که هر آینه قه می از شاه آباد بیرون گذارم
مشکل هرگز انخاب وطنیان هستم که در این ناحیه بر وقوع یوده
و از آنجایی که بر خلاف روح پیرستی و سرمدیه ایروندی
داشتیم که بدست خود کشتن از خاک مین و بدست آشوب فروری
سپارم و در این موقع که وجودم در این ناحیه باعث تسکین دون
کدشته یک منت از جان کدشته است از ابل کله دروغ فارم به
هین جبهه ناچار مضر خود بازگشت و کاروا دنبال کردم خوب بود
حضرت اشرف مستخضرتی که آرامش و سکون مستخضران ناحیه
شغله و آمدن قیام به برای آن است که ایجاب دارای عنوان
فرمانداری بود و طایفه پشیمان سیات منبش بلکه روسی منبش
و احترام شخصی و خانواده کی این جانب در میان ایلات است که
هیچ حاضر شد و اندر راه همکاری کنند و که من از راه کاری
مشک تا تیری در انتجاب داشته و توانایی و قدرتی به جا نیستن
تعهد داد من چند این پست یا قوه به نام حکم و طایفه مقدس
وطن پرستی و مدافع رویه ایلی خود که فرغ نه با شاور خون
عجل خوش استقل مایکست از حیطه کرده ام یازم به با شاور
نظم کک خوادم کرد ولی بدون میالته است اگر بگویم حرکت
ایجاب از شاه آباد با بروز شورش در تمامین مملعات و زبان و
تجواهره بود زیرا اگر روزی ناچار شوم که بکی از دو راه اطاعت
از دستورات بی مغالته مرکز و با اطاعت و همکاری با این ایلات
را برگزینم با امرالمیکوم که ما چاروق دوم را انتجاب انتخاب
تجواهره کرد
اینکه با مرکز است که ایام در این ناحیه و باقر و آتش
آنرا حفظ دارند با اینکه شکر دیکورا همین دست انتجاب آتش
جنگ و زراع و در غرب دامن رفته دیگر بینه بنظر دولت است
که کدام یک از شوق را صلاح بداند ه منتظر جواب فروری
۲۳۱۳ فرماندار شاه آباد به قزداغان

احکم فتاش کلاش طایفه شاه آباد اسمیل هسگری کندهای کل
چوب رضا حیدری سلیمان سلامی و پیش سفید کله چوب قلی خان کوه
قزاد پیش سفید سیاه سیاه حیدر قلی پیش سفید سیاه سیاه - رشید
سید سیاه سیاه علی مدعی و پیش سفید سیاه سیاه خان بابا میدان
و پیش سفید سیاه سیاه حسن یک رشید سفید سیاه سیاه جان میر رشید
سید سیاه سیاه سیاه نوروزی رشید سفید سیاه سیاه بابا باغی رشید
سید سیاه سیاه موسی شایر رشید سفید سیاه سیاه کندهای طایفه
صالح ملاح کندهای طایفه موسی امان مرادی کندهای طایفه بور که
امیر قلام کندهای کوه سربست طایفه کندهای کوه گرانو معدن آقا
آسیدی کندهای ایساکله حیدر مدعی که میزاولی کندهای شوبک حیدری
کندهای طایفه سلیمان خان بابا میر امیر سربست طایفه جان
گرفراد هرتوی کندهای طایفه جانگه مدعی برتوی کندهای طایفه جان
پیر که خان بابا کیمایی کندهای طایفه دار که منقراط منظر رشید
سید طایفه دار که معدن نوروزی کندهای طایفه ننه و زنده سید
پرست طوایف فاسور رشیدی کندهای طوایف منشی مواد کندهای
طایفه موسی کریم مدعی کندهای طایفه علی آباد بابا باغی
کندهای طایفه برف آباد بابا یانی بود کندهای زواره کرمه مدعی
مظفری کندهای حاجین دادلی کندهای طایفه کرمه گیجایی اکر مدعی
الاسی کندهای طایفه کرمان سراسر اسمیل رحیمی احمد الالسی
کندهای طایفه کرمه رشید علی طایفه کرمه شربازی کندهای طایفه
سکان جاملی شربازی و علی الالسی کندهای طایفه باربه کرمه
کندهای طایفه سنگ غلام عزیزی کندهای کیلان قرب مدعی کندهای
کیلان قرب کندهای طایفه کرمان مدعی کرمی کندهای کله شت
کیلان قرب فتاش مدعی کندهای طایفه بر کرمه رشید و یانی
کندهای طایفه کرمه مهر علی

و لم آتای آت الله مردوخ کردستانی

گرد و گردستان

-۴۱-

(سنه اردلان)

حکومت خسروخان اردلان نوبت دوم:

پس از اینکه علی خان بایان مزبول میشود دو تاریخ ۱۱۷۹ هجری خسروخان اردلان دوباره بویج فرمان کربخسان وکیل والی کردستان میشود. در سنه ۱۸۰ و از مدتی سگساری میگردد و شروع بتیسیر و آبادی شهر و دارالایاله مینشاید در سن اداره نشوئی کنونی که سابق دارالایاله بوده تالاری رو بپشتن ساخته در نهایت شکوه و عظمت و در جلو آن حوض اژدره دارای چندین محسه سنگی که از کروی تمام محسه های آن آب جستن و فوراً کرده است و تالارها کوک بضمرو به اشهار داشته.

تا سنه ۱۳۳۸ یعنی حکومت ولی محمد خان شریف الدوله باقی بود چون مشرف با اقدامات خود بود شریف الدوله در ضمن سایر تمیرات دارالاصکومه آنجا را هم بشکل کنونی آورد و در آنجا باقی و رفوگاتی دارای چند اطاق و سنه است آن (شرق - شمال - مغرب) غلام گردش است.

حام و مسجد دارالایاله و باغ موسوم بجهابواغ که بدست مهندس متحصص ساخته بود و حالا منطم چهارباجی در آن بنا شده از یادگارهای او بود است دو تنه ۱۱۸۴ ازبیل تعلق تیسیر کاهلی نودود و تاریخ ۱۱۹۱ در بر بندها با تماشای بیصره که سابق اردوی کربخسان آنجا را لنگه کوکوب ریاضت کرده است حسب الامر دولت ششایی بالشرکی انبوه از اهدا خدای و عیدها و پاشای والی موصل و گرد کورک با سهیت خود از منته چولان جهابیت سرحد ایران هجوم آورد.

محمد پاشای حاکم بایان هم که از طرف کربخسان در شهر زور حکومت داشته پارودی وزیر بندها داشته متعهد بتیسیر کردستان میشود.

وزیر اردووازه هراز جهیتی سکه هراز داشته قسبی واکه بالغ بر هشت هزار سوار بود و ایوب جم محمد پاشای لایب دوو برهون و ناله میشود.

این تیرک خسرو خان مهندس فوراً مراتب را بر زبان کربخسان تلی داشته خود بایان و سواران را علی جلو گیری حرکت میکند و در بین راه هم قریب هفتده سوار از سر راه و کورس با ملحق میشوند و کسار دو باجه زور پارومر بایان تالی فریفتن بسل آمده اول جهیت هرازه و کورس شکست خورده فرار میکنند

سپس جهیت اردلان هم با دادن سیمه نفر تلفات ۱۷۰ نفر اسپر شکست خورده رو بخت دو فرار میکنند

از جمله کشتگان لنگر اردلان میرزا علی و میرزا مهدی پسران میرزا عید الله وزیر و نصرافه بیگ پسر یوسف بیگ و محمد رضا بیگ اردلان و عیدالله بیگ منشی و غیره هم بودند.

و از جمله امراء هم میرزا احمد پسر ارشد میرزا عیدالله وزیر باجمی از ماریف کردستان بود محمد پاشا از سلطنت کربم خان یاری پیش آمدن نداشته از تیسری و وزیر هم بر آن پس نشستن نکرده است در مریوان بمال و نغمه میانه. از اینطرف هم خسرو خان شرح ماجرای را بدویار کربخسان مروض میدارد.

کربخسان آتش خفتش شعله ور شده سابق خان برادرش را با فوجی چند بطرف بصره و نظر علیخان زنده را باجمیتی از راه کردستان بزم شمشیر و تصرف سرحدات دولت ششایی مامور مینشاید.

سابق خان در مختصر زمانی بصره را تسخیر و نظریه علیخان هم بندها را تا سرحد فرسی دارالاصکومه و تاراج کلب علی خان و علی مراد خان نیز وارد سنه و شده با اینکه محمد پاشا از حرکت خود پشیمان و از در امان در آمده بود میباید مدبرانه سیاه زنده با تلقان خسرو خان و لشکر اردلان در رجب ۱۱۹۱ جهاب میروان حرکت کرده محمد پاشا بدون جنگ فرار میکنند.

اردوی زنده و اردلان بسدون مانع مرکب تا نته تارواد قریله میشوند که در پنج فرسخی قلعه فیولان واقع است. لطف علی خان پسر سیمان و بریدی شان اردلان (موسی خسروخان) باجمی از سواران اردلان مامور طالب محمد پاشا و کربخسان بایان میشوند تا محال فرقه طغان تا نته آن نواحی را هارت و تاراج مینشاید و ابنه و عسارت را بگلی غراب میسازد. در این هنگام کربگالی بیگ جلودار شاه با فرمان هایوی میرسه که از طرف دولت ششایی ایجاب بدویار ایران افرام شده که تقاضای پین دوین صلح و صلح بر گزار شود فلا برسدن این فرمان دست از تجاوز لکشیده و در سرحد ایران آرمیده قاتل بصر و سکون باشد تا جواب میدهد بشنا میرسد پس از تفرات فرمان نوروا علی مراد خان بدارالایاله کرامتانه خسرو خان و کلب علی خان قریه را فرام کردستان عقب نشسته در ماهی توقف میکنند و دوباره چابهار

اثر طبع طاهر بیگ جاف

دنیاه که همو لحظه به معشوق کسبیکه
بنواره که چند قهقهه چه، کونه تاره سبیکه
تفکره وه کو کلسی نهان گیری زمانه
ابناه جهان یک به یکی سک مکه سبیکه
عالم همو وک طبر طبع دانه امل دارو
صیاد اجل ساحتی دنیا قفسبیکه
له ججره ی شش گوشه که ی مری عامه
یارب چیه هرکس به هوا و هوسبیکه
صد قافله را بورده تو غافلای ای دل
گووی بگره له هرایک ناله جرسبیکه
شادی و غم و اندوه چیه رنج واله
اقبل و زوالیش به خواهر نفسبیکه
«طاهر» عبه آزرده زمن عادتی جوره

دنیاه که همو روزی ژنی بواله هوسبیکه

این قول را آقای بهاءالدین آزمون از مستح ارسال داشته اند

میرسه که امر دولتی بملح انجمنایه سرپا سیرحدات روم تا نته تا هر جا که میتوانید غارت نموده و با خاک یکسان کنید.

حسب الامر دوباره کلب علی و طلی مراد خان و خسرو خان هطف خان جهابیت شهرو زور نموده خسروخان پیش تاز و مدتی العیش میشود. ذوالفقارخان خشمه معان قرات ایمن باجمیت خود میرسه و هه بقله چولان حرکت میکنند. محمد پاشا که در قلعه چولان بوده دوباره فرار میکنند. از طرف دولت ششایی هم حسن پاشای وزیر بندها (کبیا) بالنگر پیشیار با معاد محمد پاشا و حفظ سرحد حرکت میکنند.

دربین راه محمد پاشا و سیده اورا هودت میدهند هنگام لاتی فریقین که صف آرمایی و سنگر بنندی و مقدمات جنگ شروع میشود احمد پاشای برادر محمد پاشا از اردوی ششایی روگردان شده پارودی ایران ملحق میشود.

پس بی سیاه فریقین شروع میشود سیاه ایران طلبه شفق بزم و دم بیدان تا نته بپرسو که حمله میبرند مینبیه خیری نیست و از اردوی روم دباری باقی نمانده است معلوم میشود که قوه نامرمت در خود ندیده شایه فرار کرده اند.

سیاه زنده و قزلباش و اردلان با فراغت خاطر شروع میکنند بتاخت و تاز و تهب و غارت و تراج کردن اما کس و آتش زدن آبیادی ها و اسیر کردن نسوان و دختران و انواع تفریح شام آخور مصله فرسا. خسرو خان پس از اینکه مینبیه کار از زمین گذشته و بعصمت و ناموس رسیده است دبارن لیسرت بگمزرده زنان و از لشکر لکه و قزلباش پس گرفته بکستان تسلیم میکنند.

یعنی خانواده هارامه که دارای ضاعتی بوده اند بشهرتند و از بگمزرده احمد پاشا و دفریز زور بجهت منسوب ورشا نقلی شان را که برآمد خود بود بیا یکصد سوار برای تقویت او در آنجا میگردارد.

پس از این قضایا محمد پاشا بدویار کربخسان تا نته اظهار بستگی بکربخسان میکنند با دادن پیشکشی و تقدیمی فرمان حکومت بایان و شهرو را با پاس خود صادر و احمد پاشا مزبول میشود وزیر بندها از این ماجری مگمکر شده. با ما و تلبیه پاشای شهرو زور و بایان داده اورا با مضطر استند ای درانه مینشاید

بلم آفای ملیان یوسنی
لیاسیه سونق

کرمانشاه متروک

- ۱۱ -

حاجی زادگان کرمانشاه ۶۰-

میرزا رضای کلهر در حسن خط نظیر نداشته است و حتی در این فن در شمار متفکرین و متمدنین و مباحثین محسوب میشود و بهترین کتاب‌های فارسی با بهترین خط او نوشته شده است که از آن جمله «سفر نامه‌های ناصرالدین شاه» و «دروازه شرف» و کتاب «فیض‌الدومع» مرحوم میرزا ابراهیم بابنج نگار است که چشم بیننده را غیره خود میسپاید و بی اختیار باین شعر لب می‌رسد:

دل میرد این خط نکازین

گویی خط دوی دلستان است
حسینقلی خان سلطانی گل سرسید این رجال بود است
که شاعری ماهر و سخن‌سنجی ماهر بوده است و در مقدمه نفاست و بلاغت بقدری گوی سبوت را درجوده است که باید او را در شرف استادان سخن نام برد و در ردیف آوری-عصری-منوچهری-شاقانی و قافای شرد.

وی از اوان طوئیت در علوم عربیه و ادبیه و فهم و ضبط لغات و اطلاع از تواریخ و قصص ملل و دول و کتب اشعار و اخبار و دروین تصحیحی عرب و شریای عمیم و علم باحوال آبان و تطبیح در ادب و عالیه و حسن خط بنام شامخ و شصتی نظیر نمایان شد و متجاوز از چهل هزار شعر عربی و صد و پنجاه هزار شعر فارسی اشعار و اشعار و غلام بر آن‌ها کتب منظومه و منظوره بسیاری نوشته شده است.

نوه حافظه وی بقدری ثوی بوده است که قصیده فرمای عربی یا فارسی را یا احادیثی اخیرا مطرله را که یک مرتبه اخلاص خوانده است بشارتکار آن احتیاج نداشته و همه آنرا بدون کم و کاست به حافظه سپرده است.

مرحوم حاد الاوله بوسیله مرحوم مصطفی قلیخان والدالمجاهد حسینقلی خان از او تقاضا نمود که روزها بدارالمعروفه رفت و علاوه بر فنش و منصب عالی دیوانی ست معاشرت شاعرانه را بر او داشته باشد. وی بواسطه وارستگی و آزاد منشی و آزادگی که داشته بود هیچک از این ست‌ها را نپذیرفت و چندی هم با مهربان و تهران و خراسان (خورآسان) سفر کرده و با صدر اعظم وقت مرحوم میرزا آقاخان امین‌الدوله و سایر رجال دولت مرادوه دست‌انداخته و مرحوم ناصرالدین شاه بوی بسیار علاقه مند بوده است.

و از جمله دوستان آسروم داشتند ارجیندو ادیب ارباب فتح‌آقا خان شیبانی بوده که از آن استادان فن شعر و شاعری است و دیگر مرحوم شاعرزاده محسن میرزای تیرآخورباشی وی در سال ۱۳۱۷ هجری در سن ۴۷ سالگی وفات نمود. دیوان و کتب بسیاری را هم از نظم و نثر و قیامه و غزلیات مسطعات و ادبیات و مکاتبات و تواریخ و علم عروض و غیره از آن مرحوم باقی مانده است و چون آن مرحوم بلا فحش بوده و کتب مذکور بطبع نرسیده متراکم شده و هر قسمتی بدست کسی افتاد است (۱) و فقط دیوان قصاید او بوسیله مرحوم نصیر دیوان و سالار لشکر و معتقدالدوله بطبع و مسدود است. این اشعار از اوست.

مژگان‌نوی جان جهان آفت جان است

نه سکه نکاهی ز تو آفت جهان است
چو سرو بود نقد تو اندر چمن حسن
نه بین چون تو صفا سرو جوان است
در غایت از ما به پکتان میرسد آفت
نه سکه زاندام تو مزایب سکنان است
گویند دل نجیب خودی سبب تنگی
نه بدلت تنگی از آن تنگ دامن است

آقای محسن وراثت

آقای محسن فرجی در خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که عیدالله بیگ فرجی (پدرش) متبیه دامنی سنجج فوت نموده و وارث او منحصراً به سه سنی (محمود - عطایه - محمد صالح) و شش دختر (حیات - رحمت - سلیمان - عاطفه - سعادت - ایراز) و سه زوجه (کلاه و ز-آمنه - دراجه) بوده بدستگاه زوجه فوت کرده وارث اولیک پسر (محمود) و چهار دختر (سعادت - ملیحه - ایران - عاطفه) و نامانوه فوت نموده وارث او یک برادر (محمود) و سه خواهر (سعادت - ملیحه - ایران) میباشد پسندندگوانا محلی برای استفاده وراثت زوجه فوت کرده مورثین صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده - لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان دوچ نمایانید اگر کسی وخواه می شود از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر و وصیت هم جزوسی و سری تأثیری ندارد

۳-۱

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

آقای محسن وراثت

آقای محمد هاشم فریب نژاد درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که کامی محمد سان فریب نژاد (پدرش) متبیه دامنی سنجج فوت کرده و وارث او منحصراً به دو (پسر محمد هاشم - محمد کاشف) و یک دختر (عمیده) میباشد. سنده گواهی گواهان محلی و شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده - لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و در روزنامه کوهستان دوچ میشود هر کس دادخواهی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه نماید و الا گواهی صادر و وصیت هم جزوسی و سری تأثیر ندارد.

۳-۱

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

آقای محسن وراثت

آقای محمد گرمیوز در خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که حبیب‌الله سیرایی (برادرش) متبیه دامنی سنجج فوت نموده و وارث او منحصراً سنی‌الیه می باشد پسندند گواهان محلی و رونوشت شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت را خواستار شده - لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور - روزنامه کوهستان دوچ نمایانید تا اگر کسی وخواه می شود از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر و وصیت هم جزوسی و سری تأثیر ندارد.

۳-۱

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

آقای محسن وراثت

آقای محمد جوی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که آقای هلی چلوی (برادرش) متبیه دامنی سنجج فوت نموده و وارث او منحصراً بشار الیه (برادر) و یک دختر (زین تناج) میباشد باستناد گواهی گواهان محلی و شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده - لذا مراتب سه ماه متوالی همراه بیک رونوشت روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان دوچ میشود. هر کس وخواهی دارد پس از نشر اولین آگهی باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر و وصیت هم جزوسی و سری تأثیری ندارد

۳-۱

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

استانیک کرده

زلف تو چو دیوی است که بگرفته رشته
نه چو فراری است که در باغ جانان است
در عشق رخت گشته هیا دین و دلم
نه که هیا دین بدل پیرو جوان است
چون لاف‌ها و زلف تو شکیب و بهاران
نه که ز زلف تو هوا گشته نشان است
باشد سرطان منزل میناب شب آرا
نه که به میناب تو جای سرطال است
طرز تکلم حاجی زادگان
طرز تکلم حاجی زادگان از لفاظات
ایشکه ملقب بلفات ادبیه و معطر بیاریات
عربی و مرصع به لفاظ مسجع است میان
هموم کرمانشاهیان شربا با شرافت است.
چنانکه درباره یکی از همین حاجی
زادگان گفته اند که روزی بانو کردمانی
شود سخن میگفت وار بحرف‌های از بایش

۳-۱

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

نامه ها و تلگرافات رسیده

از شاه آقا

مجلس شورای ملی کبیه جناب آقای
نصرتیوزیر کبیه جناب وزیر کوزرودونوش
جناب وزیر جنگ کبیه سر به اطلاعات
رونوشت جریده کوهستان غسلامان جان
غدا که هر یک بنام بخشه از روس برستی
و طوایف اروپایی خود بویست
ملوکا به منتظر و اعصاب ذمه داران امور
و شامس دل در ریواظ طریق خدمتکاری
میتوانی برستی این حرفه سوده و اکتند
و راجع باصطفا آفرین خورتیذبان فرما و
شاه آقا بد برض میروایم که مدت تصدی
ایست لیه بیست بنامه مجبور است ابراز و
علاوه بروی کلیر سامی لازمه رادر
ترقی آستایش کانه فراموش داشته بطوری
که انتظام کلام در موزه فرمانداری محکم
فرما و موجب امتنان عمومی است این
اخبارشاز هر کذا از نظره نظر خلیف مالم بود
بخواه این حرفه چاکراه که از لحاظ
مبین دوستی است معروض میدارم سکه
تقدیر ایشان خلاف نظرونظام و دست خاتون
کندوسمسکن است ایجاد اطلاق بزرگ
در این منصفه فاسیود اسباب نامشروع
کرده و

میدیش الدین جدیدی میدنوردالدین
جدیدی سید علی جدیدی قریب المصلطه امیری
جدیدی طایفه قشای ترمیت احمد نوسر
سرگی مدن ویند سید علی بخشه اطراوی
گوران خان ملای یاسی بخشه اولیاسی
بنوب پناجیر خان ایری قحانی اسد
سلطان مرید طایفه دینیاله مراد امیری
رضی سزلی هرزبوشه لیکو صدبگری
مطایفه قادریگی آکیر خان میر کندی
قلعانی رستم سرایی کندی قلعانی اسفر
کندی جاف شاه مراد مستی کندی
قلعانی

از کردستان

آقای علی جوانرودی از کردستان
تلگرافا شکایت مینمایند:
ا ترچه تا کنون چندین بار تظلمات
خود را به پیشگاه اعظمترت همایونی
مقامات دولتی نموده ولی چون نتیجه ای
بدست نیامده میدو با اظهار تظلم خود
استعاضه عطف توجه مینمایم با وجود اینکه
هیچگاه از اطاعت دولت خارج نبوده ام
سال ۱۳۲۳ فشار مانورین دولت چارم
شود که ستورای شوم وبا وجود اینکه
چهارده هزار تومان مالم را غارت کردند
بعضی احضار فرمائده لشکر با بامد اضعاف
دولت بمنتج آدم مدتی در آنجا است
نظر بود بطوریکه چند روز که اجازه
مرخصی برای سرکشی بخانواده همسر است
خود خواستم موافقت نکردند مدتی الا کم
توفیق و رعایت بر بریان و خانوادام می
سر برست مانده

با وجود اینکه بارها معروض داشته
ام که برای هر گونه دعای طبق مقررات
ملکنتی حاضر میمانا تا ناله توجیهی نشده
عظمتا بنام رعیت پروری استعاضه مینمایم
دستور دیگری در دفع ظلم از فدوی را
مصادر فرمائید

کوهستان - توجه اولیای امور و
منضمما فرمائند لشکر کردستان را بشکایت
تلگرافی آقای جوانرودی جلب و انتظار
دارم در رسیدگی و احقاق حق جدید
فرمائید

از سقز

آقای عبدالله شریف زاده راجع به
وضیعت شهرداری و چند فقره اضافی که
شده اطلاعاتی برای ما فرستاده است بدیسی
است که اوضاع آنجا بزرگی بهبود
حاصل نشاید با چار مجموع اطلاعات واصله
از اشخاص مختلف رادر معروض ناموت عمومی

برای اطلاع اداره کل دخانیات

از سقز

احالی سنده باه بکلی از هسنتی سابط بگانه امپوراری
لفظ مقداری توتون بوده باید اینک به پاه کیسون خرید تحویل
دیه جمع آوری، بهرا مدتی سرگردانی در سرمای زمستان مستی
رو به کیسون مستور آغوش لیلیکوی ناظر خرید منعل تلگرافی مستور
داده شده توتون را دخانیات سقز تحویل بجای کرایه دیوات داریده
با پرداخت کیلویی سه روزگ کرایه تحصیل مشقت زیاد در جادعمالی
کوهستانی مندرای توتون تحویل دادیم دخانیات سقز از دادن وجه
خودداری استعاضه توجه نوری وساییدن و به بیان تکلی سقز با اجازه
صعود حواله تهران با منتج داریم
از طرفی اهالی راه - بختیاری - سطلانی - کرسی - فاروقی
دبایی - رشودی - ظرونی - حیدری

اولیای دولت قرار خواهیم داد

از کردک

آقای جعفر مرادی سرخس با نوشته ادبونه کراتی داده الله از
نکردن آستان متشکریم و انتظار داریم برای تأمین نظر ایشان و
سایر نامتاسککنه کنند بکنفر را خودشان هر چه زود تر
مرفعی نمایند چون آدرس خود را مرفوع داشته بودند تواسنت مستقیما
جواب بویسیم

از سقز

آقای موسی قبادی بیگونه شکایت مینماید که ستوان یک
مجهزی ستوان ۱ هجران واستوار شرفی برای تحویل اموال سرفه
به کبابی آمده و بدون وجه بتزلز ایشان که در کسکه موانع است
آمدن علاوه بر خسارت مدت توقف مبالغ یازده هزار تومان بول هده
یکصد و هشتاد دانه لیره و مقداری اکتایه را غارت نموده ایدوستی
اظهار میدارد که از پولهای غارت شده پنجاه آذای ستوان هجران
عروسی مقلدی در سرفه نمودند

آقای موسی قبادی نامتاسی رسیدگی و احقاق حق و استرداد
اموال غارت شده مورد اراده است

از بیجار

آقای سید احمد حسینی پنجه مینویسد اشتهار نامه کوهستان
مایه خوشوقتی و غشودی ما کنین این نواسی میباشد ایدوار بود
ترنی و تمثالی خدمت های سریع برداشته و احترامات فائده ما را
پذیرید و

جماز کمال یشاید ولی مدآه وهزار افسوس !! کاران تبیح لکماش
کردند و از آن آه و افسوس وری برسدند جواب داد فرمانان گرم جوی
لبت! آمو افسوس من برای شما و بغضال شامت آه من همین است و
اوسوم جز این نیست علاوه زندگی شما وجود همسری زینا و دلربا
است که هنگام مشروبات گرد کمورت از چهره مان زیادید وهنگام استراحت
شادمانی شمارا تأمین کند

گوان این فکر بگر با پشتمندت و بردوجه هوش و ذکاوت رویاه
آفرین گشته آنگاه داری درد را از خود خوار گشته رویامرض کرد
اگر دی برزنگان ملائمت باشد چاره انکار بسیار آسان است ا حال
بیبینی چگونه در انجام و شرفیام کوشا هستم این بگفت و بیدریک کاران
واترک کرد و راه پیش رو میدی بگفت: منبزرگ نتیجه اقدامات بگجا
رسیده! رویاه جواب داد منتظر باشی همین امشب کجیبه شویم لرت ا

پاز راهش را پیشگرفت تا بتزیدیک دهی رسیده ماده کاری بسیار
ازند که بر مریضی برامشغل بود خودرا بدو زود کرد رویاه سکار بس
از ادا ک شارف نابیندی مرموزگت در این مرمراز چگونگیه و تنها
! سر بیرو! زندگی انفرادی چقدر غشته گشته است! بیانا ترابره نزاری
مخبر من هدایت گیم آجا چراغ - چهار کلو بیرونه است سکه هیچ جاه
فصلم جز جوردن چون تو گردارت آجا چهار دارار بنسجه دوی دری
آون غشته و الحق تو ای دلبر شوخ و شنگ و شایسته صد چندینی
خلامه دانه کار ساده لوح را لرب داده واروا همراهِ خود آورد هبیتکه
ببمده رسیده کاران چشمه تری برشار کرده اند از دهه زانم در صاف مشتشان
زالا کردید اتفاق تبدیل بنگان گشته و سوشی خود را بدشنتی بشند

در اولین برخورد با ماده کاو ضخومت آغاز کردید کاران بچانم افتادند
بر سر این ماده کاوشی آب و رنگ آن قدر سخته بود سکه که همه
کوفته و شاخ و پناخ یکدیگر آب بختند که هر کدام غشته و فرسوده بگوتد
اتحاده رویاه آهسته رفت و شیرازا با خود آورد و یکی از کاران را که
از سایرین کوفته تر بود نشان داد شیرازا آفرین بر تنبید و حیل
روایه کرد کاروا از موه بدو پند آن راه طمه خود جانوران نود رویاه هم
از آن بیبیره لبانه باز فردا صبح سه کار دیگر از طواع تقاضای آفتاب
هرسه را بر یکدیگر تکه نمودند و شامگهان ازازبا دو آمدند نوشته
وین که برین شده شیر بباردم فرستارم منت غمرد آنرا که تاوان
تر و زیور تر گشته بود طمه شباهه خود نمود و رویه آن دو گسواو دیگر
باز برتره داغند و آفرین ندرت و توانایی خود را دست دادند بیبین
ترتیب هر چهار کوشی گمانه قربانی مکرور تو رویاه و ظلف و دوت
خود گردیدند!

آری فرزندان هر بزم جان کلام اینجاست که باید آترا سر منق
زندگی خود قرار دعت تا آجا که سماوان حامسی و پشتیبان
یکدیگر بولدند و برای یک منظور و هدف کار میگردند
کسی نوانست بر آنها فایق آید ولی همیشه با دست مبارک
و جله هم رویاه تعلق دین قریب شان پاید بشده دیدید که
چگونه از پای درآمدند و با فبجهرتی و وضعی زندگی هم
خاشنه دادند آری از این رویاه صفتان بسیارند

کوهستان

برای اطلاع وزارت دارایی

اداره اقتصادی کره نشاء

جناب آقای دکترنگنه نماینده محترم کرمانشاه در مجلس شورای ملی در باب نفاذ سهمیه قهوه شکر اهالی فقیرترین و تحصیل سهمیه ۱۲۵۰۰ شکر و شام نام نیریزی مطالبی در روزنامه اطلاعات مودخ سوم دیماه شماره ۵۹۴۰ درج شده بود. ظهار فرمودند: اینک از نظر وقف باصل فقیه جریان داری استعمار و روشن شدن اذهان، عومی معموما در این موقع پارک برای درج در آن نامه گرامی با استفاده از مدارک موجود ذمائی نگاره،

۱- اداره اقتصادی کرمانشاه مستحق بود که شکر جهت توزیع موجود نداشت مگر از امر کرمز مالدی می نمودند تا اینکه اخیراً اذعان عومی معموما در این موقع که پس از وصول بلادریک سهمیه کایه شکیات نامه من جمله فقیرترین راهم سوبیه مامورین مربوطه ارسال و بین اهالی تقسیم گردیده است.

۲- موضوع سهمیه قه و شکر ۲۵۰۰۰ شکر بارشای نیریزی طبق تقاضای که در این زمینه بعمل آمده و مدارک مربوطه گواهی میدهد آقای آشتیانی رئیس کل بازرسی هغه (هنگام مامورین کرمانشاه) برابر بند ۱۰ دستور شماره ۸۶۸۵- ۲۳/۱۲/۲۱ آقای دکتر میلیوس (سکه اسان توزیع کلایین عثمانی و معاملات) طی نامه شماره ۲۵۹۴- ۲۱/۱۲/۲۱ این نامه گان استاعاری- ثبت اسناد و معتمدین معمل دادعوت میباشند که در این خصوص رسیدگی و اظهار نظر نمایند. نتیجتاً کمیسیون مزبور موافقتی کند که سهمیه ۱۱۴۰۰ شکر را وبسته بارشای نیریزی را طبق صورت اسامی آنان که به گواهی و امضای بشنده ذهاب رسیده باو تحویل نمایند و از همین قارهه رفتار شده است ولی عمل مزبور در لجاب آقای صالحی که در این تاریخ در فلسطینه بیزار و تحت معالیه بوده صورت گرفته است و ایشان مطلقاً در این امر دخالتی نداشته اند.

جناب آقای دکترنگنه نماینده محترم کرمانشاه در مجلس شورای ملی در باب نفاذ سهمیه قهوه شکر اهالی فقیرترین و تحصیل سهمیه ۱۲۵۰۰ شکر و شام نام نیریزی مطالبی در روزنامه اطلاعات مودخ سوم دیماه شماره ۵۹۴۰ درج شده بود. ظهار فرمودند: اینک از نظر وقف باصل فقیه جریان داری استعمار و روشن شدن اذهان، عومی معموما در این موقع پارک برای درج در آن نامه گرامی با استفاده از مدارک موجود ذمائی نگاره،

تقت اقتصادی آجا تحویل شده و حسب علت عدم توزیع ما از قسمت مربوطه در کرمانشاه توضیح خواسته حال یاد نظر کرتن این سابقه با یادید گت اداره بخش دروغ گنه که گمان نیبرود بی ناچار با بد گت چون آقای شیرینی در ادارای هشتده که آقای صالحی مست ریاست را برایشان دارند خواسته است خوش آمدی به ایشان گنه باشند سوابقی هم در دست است که این حس را تأیید مینمایند.

دوستان دوم انتاله اظهارات لوفون محنت داشته باشد.

بهر حال چیزی که مسلم است این است که سابقین بلوگ بخش های کرمانشاه از اداره اقتصاد و شمس آقای صالحی رضایت ندارند و دوباره ایشان حتی صحبت های هم مینمایند.

برای نمونه تکلفات ذیل را سکه دیروز و اصل هغه دوج میباشند تا اولی امور و خواننده گان محترم نامحدی به حقیقت اوضاع واقف گردند:

اوستقر
تاریخ اصل ۱۹/۱۱/۲۴
جناب آقای نخست وزیر در نوشت وزارت دارایی و نوشت مجلس شورای ملی در نوشت کوهستان.
گرچه مکرر وزارت دارایی راجع به سهمیه شکر رجای و کشاکش که به قسمت اعظم کشاورزان کلبالی داده نشده شکیات شده بود چه عطف توجهی نشد، چون معلوم است مریکل در تهران اجازت و آقای صالحی رئیس خواربار کرمانشاه است شکیات حق بلا تیبیه مانده است. استماعان است بازرسی باوجدانی بطور مرمعه، ارام فرماید که باخضو بخشدار معمل رسیدگی شود تا معلوم گردد این دوزخ های پشت میز میسیونها تو همان طوقن حقه در زمین بدبخت و به تروت خود ضعیفه و اکثر کشاورزان را از هستی سانسف نموده اند.

رئیس خواربار ستر با تکانه اینکه از کرمانشاه سهمیه کلبالی یامده از دادن سهمیه خودداری مینمایند. د نوبدون بازرسی محنت یا کذب معلوم نیست.

علی اکبر قبادی
از وزارت دارائی انتظار داریم
به شکیات مردم توجه نماید

بمقتور دوشیزه پوران رهبر

در کردستان چه دیدم

در زمستان ۱۳۳۳ پدم مامور کردستان شد و خانواده ما هازم آن دیار گشت. هموناهل و دوستان که برای پدره ما آمده بودند با قیانه های هفتگ ما را بدوخته کرده و گوشزد مینمودند که در کردستان مواظب گفتار و کردار خود باشی زیرا مسکن است هیچک از شما سر مالم بدو برید چه کردستانیان از اهل تن و دشمن خون خوار شیبان میباشند. من که ذاتاً دختری کجنگار و تحت تأثیر تلقینات ابام گودکی نیز قرار گرفته بودم باین مسافرت خوشوقت بودم زیرا میتوانستم از نزدیک شاهد رفتار اهالی و عقاید آنان باشم.

آنکون مقصدی از مشاهدات خود را مینگارم تا شیبانیکه تحت تأثیر تلقینات صیب و غریب قرار گرفته اند به بنیقت آن چه در میان اهل تن کردستان معمول است واقف شوند و بداند تمام آن چه را بآن ها گفته اند دروغی محض بوده و سیاستی بیش نیست.

مسلمان حقیقی آن ها هستند زیرا در هیچ شایه ای بود که من بروم و قرآن مجید را بدوی باک و مزه می بینم. هیچ راهمال تن را ندیدم که بدون وضو دست بقرآن بزند. بزرگترین قسم مردم به قرآن است و در بیجا آوردن ناز و سایر آداب دین بسیار مقیدند و لائل دولت آن ها را زنگار دوروی میدارند از حفظ دارند. در آبرودن مراسم مذهبی نظار نمینمایند و نال و طعانت در هیچ حواله فریب ندادند.

با وجود اینکه هر ساله همه زبانی بجه برودند اسم حاجی بر خود نیکنامند و کلا بر ایشان حاجیان حرام فریب قضا میکند که خوشان را با کسی نشان را زن حاجی، پسران پسر حاجی، کوچکشان را کوچک حاجی و زن دشمن را حاجر آید مینماید و نظار خودداری میکنند و طالب همان حقیقت میباشند.

تا هم طرا با احترام میبرند و اورا بسیار محترم و معزز میباشند چه با قدر دین هروراد کوچک بدیدم که ملاحظای درخین برداشتن با رستگین میبکفت یاعلی.

با این مختصر که ذکر شده این حقیقت میرسیم که برای بعضی و برای تلقین افان اخلاقیان میان سنیان و فشیبان بیا کرده اند و بعضی آفتوهای منت پرست از آنان بیغ سیاستهای خارجی استفاده مینمایند و گرنه ما همه مسلمان بوده و بیرون دین محسنیم و بایه دست بدست یکدیگر داده ایم اختلافات را از میان برداریم و بدو پیروی از حقیقت اسلام گوش نمایم.

کوهستان - مقاله وارده فوق که از روی کمال بی نظری نگاشته شده چاپ گردید ولی ما اصولاً نینوایم در موضوع مذهبی ها وارد شویم و از نوشته گان محترم نترسنا داریم که دروغ اختلاف صلا گوشش فرماید.

حالی که کین ...

بچه از سلفه
و تا این رو به ادامه داشته باشد مابین دولت و ملت حایل بزرگی وجود دارد که خود سهمیه تمام بدینی هاست. آرزو که دولت تصیم یکپوره هریش آمد و با پسنخار ملت برسانه و از آن ها عصبانه کتک خواهد خورد اوزی است که میتران امید داشت اوضاع رو به بهبود خواهد فتقولا اگر همین رو به برده پوشی و استتار اوزاع داشته باشد با کمال اطمینان میتوان گفت که مردم نسبت به حق بی آن کسی که سنوات قضای امتحان وطن - برسد آماده منظور شده و جز یک شخص وطن فروش و احمق و کلا طور دیگروارند نظارت نینمایند بنا بر این چنین شخصی یا اعلی نیتوانه از پشتیبانی مردم برخوردار بوده و بدین اطمینان داشته باشد.

و نایشیبانی مردم ملت و اخفا و اینان آبان نباشند هم اساسی بملع ملت نیندازن بر داشت.

جای ادبانه: خجایان پهلوی شماره نشن: ۳۹-۸۵